

مفاهیم بنیادی تاریخ هنر

ویراسته رابرت اس. نلسون و ریچارد شیف
ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی

فهرست مطالب

- ۲ میانجی‌گری
رابرت اس. نلسون
- ۱۰ به‌جای پیش‌گفتار: کسی نگاه می‌کند، می‌خواند، می‌نویسد
رابرت اس. نلسون
- ۲۴ ۱. بازنمایی
دیوید سامرز
- ۴۸ ۲. نشانه
الکس پاتس
- ۶۸ ۳. وانموده
مایکل کمیل
- ۸۸ ۴. واژه و تصویر
دبلیو. جی. تی. میچل

- ۱۰۶ ۵. روایت
ولفگانگ کمپ
- ۱۲۴ ۶. اجرا
کریستین استایلز
- ۱۵۶ ۷. سبک
یاش الزنر
- ۱۷۴ ۸. بافت
پاول متیک
- ۱۹۸ ۹. معنا/تفسیر
استفن بن
- ۲۱۸ ۱۰. بدن
امیلیا جونز
- ۲۴۰ ۱۱. زیبایی
ایوان گسکل

۲۶۲ ۱۲. زشتی
نینا انتاناسگلو- کلمایر

۲۸۶ ۱۳. مناسک
سوزان پرستون بلایر

۳۰۰ ۱۴. بت‌واره
ویلیام پیتس

۳۱۸ ۱۵. نگاه
مارگرت اولین

۳۳۶ ۱۶. جنسیت
ویتنی دیویس

۳۵۶ ۱۷. هویت
ریچارد می‌یر

۳۷۴ نمایه

این مقاله چارچوبی کلی از تاریخ معضل بازنمایی به دست می‌دهد. من در این نوشته کوشیده‌ام نشان دهم چگونه به‌کارگیری این اصطلاح به شیوه‌های امروزشینش ممکن شد. در آخر مقاله خواهم گفت نظرم درباره تأثیر موضوعاتی که طرح کرده‌ام بر تاریخ کنونی هنر چیست.

بازنمایی اغلب با مفهوم شباهت و مسئله‌عام‌تر تقلید ارتباط پیدا می‌کند؛ و حتی مهم‌تر از آن، بازنمایی تصویری^۱ همواره با بازنمودباوری^۲ فلسفی درهم‌تنیده است فرهنگ وبستر بازنمودباوری را چنین تعریف کرده است: «آموزه‌ای است که موضوع بلافصل شناخت را ایده‌ای ذهنی می‌داند متمایز از ابژه بیرونی‌ای که خود زمینه‌ساز ادراک است». در مباحث دیرپای اندیشه غربی پیرامون بازنمایی هنری معمولاً به سه عامل توجه می‌شود: چیز، تصویر واقعی آن، و تصویر ذهنی آن. این اصطلاح سوم، که کلاً آن را «تصویر» نامیده‌اند، به اثری هنری تشبیه شده که در ذهن ساخته می‌شود و جایگاهی خاص دارد؛ تصویر ذهنی خود بازنمودی است که همواره میان هر چیز و تصویر واقعی آن حائل می‌شود؛ افزون بر این، گفته می‌شود تصویر ذهنی الگویا «مقصود» تصویر واقعی است. بنابراین، می‌توان گفت نقاشی

1. pictorial representation

2. representationalism